



بررسی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی

جعفر گل محمدی^۱ و سعیده تقی زاده^{۲*}

چکیده

اخلاق حرفه‌ای از مباحثی است که در سال‌های اخیر و به‌ویژه در کشور ما مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است. رویکرد این پژوهش، کیفی بوده که با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان پژوهش ۱۰ عضو هیئت‌علمی و ۱۰ دانشجوی دکتری دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است. یافته‌های پژوهش نشان از ۹ مؤلفه درزمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و ۴ مؤلفه درزمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشگاه‌های کشور دارد که با بررسی یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که خلأها و کاستی‌های بسیاری درزمینه‌ی پژوهش حاضر به‌ویژه از دید دانشجویان دکتری وجود دارد. این امر توجه ویژه مسئولان را به‌ویژه از بعد آموزش و فرهنگ‌سازی می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، نظام آموزشی، نظام پژوهشی، دانشگاه علامه طباطبایی

^۱ استادیار گروه اخلاق و منابع اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران.

^۲ نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبایی و مسئول اخلاق آموزش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، رایانامه: taghizade_s@atu.ac.ir

مقدمه

جامعه از سازمان‌ها و نهادهای مختلفی تشکیل شده است که دانشگاه‌ها جزو مهم‌ترین نهادها محسوب می‌شوند. دانشگاه‌ها دارای نقش‌های مختلفی مانند آموزش، پژوهش، خدمات، کارآفرینی و ارزش‌آفرینی هستند که بسیار بااهمیت هستند. دانشگاه‌ها برای تحقق اهداف خود نیازمند توجه به اخلاق حرفه‌ای هستند تا بتوانند به‌خوبی نقش خود را در جامعه ایفا کنند (برنل و اسناکبرگ^۱، ۲۰۱۵). اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌های کشور ما که دارای فرهنگ و ارزش‌های دینی قوی و متنوعی است، اهمیت بسیار بیشتری دارد. اخلاقیات در همه‌ی جوامع به‌دوراز دین و مسائل مرتبط با آن مطرح است. با توجه به نقش انسان‌سازی دانشگاه‌ها، اخلاقیات از جمله مباحث بااهمیتی است که باید به آن توجه بسیار شود؛ بنابراین اخلاقیات باید در تمامی استانداردها، مراحل، فرایندها و عملیات دانشگاهی به‌صورت کاملاً واضح به کار گرفته شود (برنل و اسناکبرگ، ۲۰۱۵). دراین‌بین مهم‌ترین محوری که دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق آن، آرمان‌ها و اهداف اخلاقی خود را محقق سازد، توجه به اخلاق حرفه‌ای است که توجه مناسب نسبت به آن وجود ندارد. تحت این شرایط افراد بر اساس ذهنیات خود عمل کرده که به‌دوراز خطاهای شناختی نیست. اخلاق را می‌توان به طرق گوناگون معنا کرد که هر یک از معانی آن، به بعد خاصی توجه دارند. اخلاق رویه و سنجیه، مجموعه‌ای از آداب‌ورسوم افراد و اجتماعات بشری و قواعد و قوانینی است که بر احساسات و کارهای افراد جامعه حکم‌فرما است (کلهر، ۱۳۸۳، ۵۰). از بعد اجتماعی نیز، اخلاق به‌عنوان تنظیم‌کننده‌ی روابط میان انسان‌ها، دارای اهمیت بسیار است. از بعد سازمانی و نهادی با اتکا به اصول اخلاقی، مدیران قادر می‌شوند تا تصمیم بگیرند چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است؛ بنابراین، افراد در انجام دادن وظایف خود نظیر تصمیم‌گیری، ارزشیابی، نظارت، تشویق و تنبیه بدون توجه به اخلاق حرفه‌ای در سازمان نمی‌توانند به‌درستی عمل کنند (الوانی، ۱۳۷۹، ۲). اخلاق حرفه‌ای، اصول اخلاق در معنای خاص حرفه‌ای را نشان می‌دهد؛ بنابراین ابتدا باید اخلاق را شناخت و سپس با توجه به شرایط و فضای هر حرفه، اخلاق حرفه‌ای ویژه‌ی آن حرفه را

¹ Burnell & Schnackenberg

ایجاد کرد. فردی که آداب اخلاقی را رعایت می‌کند، خواسته‌های خود را به نفع دیگران تعدیل می‌کند و با تقویت و پرورش ابعاد معنوی همواره در راه خدمت به هموعان اقدام می‌نماید. در حقیقت، اخلاق حرفه‌ای، یک فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در سازمان چه ارزش‌هایی را چه موقع باید حفظ و اشاعه نمود (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲، ۳۲). اخلاق در آموزش عالی نیز شامل مفاهیم فرهنگی و ارزشی (اصولاً عملیاتی شده) حاصل از درک متخصصین آموزش عالی در نقش‌های مختلف (هیئت‌علمی، مدیران و متخصصین خدمت‌دهی به دانشجویان) است (برنل و اسناکنبرگ، ۲۰۱۵). آموزش عالی نیازمند اخلاق حرفه‌ای است و یکی از دلایل آن، تغییراتی است که در سال‌های اخیر در آموزش عالی رخ داده است. در سال‌های اخیر، هجوم افراد به سمت آموزش عالی باعث شده است که مسئله‌ی کمیت آموزش عالی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشگاهیان شود و این امر باعث شده است که مسئله‌ی کیفیت کمرنگ‌تر جلوه کند. در این شرایط، توجه به اخلاق در آموزش عالی به‌ویژه از بعد آموزشی و پژوهشی بسیار دارای اهمیت می‌شود زیرا در اخلاق به حقوق متقابل دانشجویان در قبال دانشگاه و دانشگاه نسبت به دانشجویان توجه می‌شود و در نتیجه، مسئله‌ی کیفیت در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (مک فارلن^۱، ۲۰۰۴: ۱۲)؛ بنابراین نقش اعضای هیئت‌علمی در زمینه‌ی پرورش دانشجویان اخلاق مدار دارای اهمیت بسیار است. در این زمینه، آن‌ها باید توانایی‌های خود را در زمینه‌های مختلف علمی و اخلاقی ارتقا دهند (برنل و اسناکنبرگ، ۲۰۱۵، ۴۸).

پیشینه پژوهش

پورنیازی و میرمیران (۱۳۹۹) به بررسی چگونگی انجام پژوهش‌ها به‌منظور برطرف شدن نیازهای جامعه پرداخته‌اند. در این زمینه، رعایت اخلاقیات نیز بسیار دارای اهمیت است که باید اساس هر کاری باشد. زرافشانی، شرفی و اطهری (۱۳۹۷) به بررسی برقراری ارتباط دانشجویان با اساتید در افزایش بهره‌وری آموزشی، انگیزه و اعتماد به نفس دانشجویان و در نهایت ارتقای کیفیت آموزش مؤثر پرداخته‌اند. در این مقاله به اهمیت اخلاقیات در برقراری

¹ Macfarlane

ارتباط مناسب میان استاد و دانشجو اشاره شده است. قائدی، مدهوشی، رازقی و صفایی قادیکلایی (۱۳۹۷) به بررسی علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی و پیامدهای ناشی از آن پرداخته‌اند. سؤال اصلی پژوهش این است که چه دلایل، شرایط و زمینه‌هایی سبب ایجاد فساد دانشگاهی می‌شود و بروز فساد دانشگاهی چه پیامدهایی برای دانشجویان، استادان، ساختار نظام آموزش عالی و دیگر نهادها و سازمان‌های جامعه دارد. یافته‌ها نشان داد که تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده‌ی خط‌مشی علمی، تمرکزگرایی، نبود اسناد اخلاقی، توجه به کمیت به جای کیفیت، قانون‌گریزی، تجاری شدن آموزش عالی، افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی و مدرک‌گرایی از جمله علل اصلی بروز فساد دانشگاهی است. همچنین شرایط و زمینه‌های دیگری چون شکاف بین دانشگاه و صنعت، رویه‌های نادرست نظارت رسمی در دانشگاه‌ها و تنزل آموزش در بروز فساد دانشگاهی مؤثر هستند. مصباحی و عباس زاده (۱۳۹۲) به بررسی الگوی سیستمی اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی پرداخته‌اند. در این پژوهش بیان شده است که زمینه‌ی اخلاق در آموزش عالی مفهومی چندبعدی است و منشأ اثربخشی در آن است. به همین دلیل مورد توجه بسیاری از دانشگاه‌ها است. مقاله‌ی حاضر در دو بخش ارائه شده است. بخش اول تبیین مؤلفه‌های مؤثر در اخلاق حرفه‌ای بر اساس تجارب، دیدگاه‌ها و ادراکات اطلاع‌رسان‌های تأثیرگذار و بخش دوم نیز با بهره‌گیری از مدل سیستمی، رابطه‌ی بین متغیرها ارائه شده را در نظام آموزش عالی نشان می‌دهد. یافته‌های این مطالعه مؤید وجود ۵ درون‌مایه‌ی سابه بانی و ۱۷ درون‌مایه‌ی فرعی است که عبارت‌اند از: ۱. عوامل اخلاق فردی (استانداردهای اخلاق فردی، اعتقاد قلبی، خودکنترلی، وجدان)، ۲. عوامل مدیریتی (نقش الگویی مدیران، رفتار خیرخواهانه و مشارکت در تصمیم‌گیری)، ۳. عوامل سازمانی (گزینش و به‌کارگیری، برنامه‌های راهبردی اخلاق و فرهنگ‌سازمانی)، ۴. عوامل اخلاق شغلی (اخلاق آموزشی، اخلاق پژوهشی و اخلاق ارتباطی) و ۵. عوامل فرا سازمانی (فرهنگ، شرایط سیاسی، اعتماد عمومی، شرایط اقتصادی). الوانی و رحمتی (۱۳۸۶) نیز به مروری اجمالی نسبت به تلاش‌های انجام شده به منظور هدایت سازمان به سوی معنویت و استقرار اخلاقیات در سازمان، برخی از مفاهیم و تعاریف و تکنیک‌ها و ابزارهای مدیریت اخلاقی در سازمان پرداخته‌اند.

وست^۱ (۲۰۲۰) به بررسی آموزش مهندسی با تأکید بر نظام آموزشی و پژوهشی پرداخته است. این منبع دارای فصل‌های مختلفی است که مطالعه آن می‌تواند بسیار مفید باشد. بارنهرن و همکاران^۲ (۲۰۱۷) نیز به بررسی زمینه‌ی علل و ویژگی‌های ارجاع دانش آموزان پزشکی به هیئت‌مدیره‌ی حرفه‌ای پرداخته‌اند. در این پژوهش، به ارائه‌ی رفتارهای غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای دانشجویان پزشکی پرداخته شده است. همچنین انجمن روانشناسی بریتانیا^۳ (۲۰۰۹) در منبعی که تأکید آن بر جنبه‌ی روانشناسی اخلاق حرفه‌ای است، مطالب ارزشمندی بیان کرده است. آدامز، تاشچیان و شر^۴ (۲۰۰۱) نیز مقاله‌ای با عنوان کدهای اخلاق به‌عنوان سیگنال برای رفتار اخلاقی ارائه کرده‌اند که به بررسی کدها و رفتار اخلاقی پرداخته است. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر کدهای اخلاقی بر درک رفتار اخلاقی است. در این بررسی این نتیجه حاصل شده است که سازمان‌های دارای کدهای اخلاقی، رفتار بهتری در میان کارکنان، مدیران و ... خود دارند؛ بنابراین جنبه‌ی کلیدی جوسازمانی، مانند تضمین رفتار اخلاقی، آزادی و رضایت، نیازمند کدهای اخلاقی است. همچنین شوآرتز^۵ (۲۰۰۲) به بررسی ماهیت رابطه میان اشتراک کدهای اخلاقی و رفتاری پرداخته است. این مقاله با اجرایی کردن مواردی، به بررسی رابطه‌ی بین اشتراک کدهای اخلاقی و رفتاری پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کدهای اخلاقی عنصر اساسی و بالقوه‌ای است که بر روی رفتار افراد در سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین در این پژوهش چرایی نقض کدهای اخلاقی و مجموعه‌ای از هشت استعاره آن بیان شده است. بررسی‌های صورت گرفته نشان از خلأ پژوهش در زمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و در نتیجه، اهمیت انجام پژوهش در این زمینه دارد. این امر به‌ویژه در ایران و دانشگاه‌های ایران کاملاً مشهود است. هدف از پژوهش بررسی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است.

¹ Vest

² Barnhoorn *et al*

³ Ethics Committee of the British Psychological Society

⁴ Adams, Tashchian & Shore

⁵ Schwartz

روش‌شناسی

هدف پژوهش حاضر، بررسی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی است. رویکرد این پژوهش کیفی بوده و روش آن مصاحبه است. امروزه مصاحبه با توجه به گستره‌ی آن به‌عنوان یکی از روش‌های مطرح پژوهش تبدیل شده است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۴۱)؛ بنابراین از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش ۱۰ عضو هیئت‌علمی و ۱۰ دانشجوی دکتری دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی هستند که با استفاده از نمونه‌گیری نظری^۱ (اشباع نظری)^۲ انتخاب‌شده‌اند. از تحلیل محتوا (کدگذاری باز و کدگذاری محوری) به‌منظور استخراج داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و همچنین آمار توصیفی در این پژوهش استفاده شده است. در کدگذاری باز سعی شد تا از کلیدواژه‌های مصاحبه‌شوندگان استفاده شود و در کدگذاری محوری تلاش شد که به‌منظور ایجاد یکپارچگی و علمی کردن داده‌ها، از واژه‌های تخصصی استفاده شود. اعتبارسنجی پژوهش حاضر از طریق کدگذاری مجدد یافته‌ها و همچنین بازبینی مشارکت‌کنندگان حاصل شد. مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها می‌تواند جنبه‌های مختلفی را پوشش دهد که در این پژوهش تنها دو بعد آموزشی و پژوهشی موردنظر قرار گرفته است. سوالات در مصاحبه‌ها به‌صورت باز و کلی بوده تا بتوان از دل آن‌ها داده‌های لازم را استخراج کرد. دو سؤال در این پژوهش موردنظر قرار گرفتند. ۱. اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه چگونه است (از دید اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری)؟ ۲. اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه چگونه است (از دید اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری)؟

^۱ Theoretical Sampling

در این روش به‌صورت هدفمند از افراد آگاه و متمایل به گفتگو تا رسیدن به حد اشباع یعنی حدی که در آن دیگر اطلاعاتی به پژوهش اضافه نشود، کسب اطلاعات می‌شود (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۴۳).

نتایج

یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه بعد از انجام بررسی‌های لازم به تفکیک بر اساس مؤلفه‌های مطرح در نظام آموزشی و از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱) اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه (امتیاز از ۲۰)

مؤلفه‌ها	اعضای هیئت‌علمی	دانشجویان دکتری	برآیند
ارزشیابی ^۱	۱۹	۱۳	۱۶
منابع آموزشی ^۲	۱۸	۱۰	۱۴
فن تدریس ^۳	۱۶	۱۰	۱۳
روش تدریس ^۴	۱۵	۱۱	۱۳
راهبری ^۵	۱۶	۸	۱۲
راهبرد ^۶	۱۵	۷	۱۱
رویکرد ^۷	۱۵	۷	۱۱
الگو ^۸	۱۴	۶	۱۰
تعامل ^۹	۱۳	۵	۹

ابتدا تعریفی مختصر از هر یک از مؤلفه‌های مطرح در اخلاق حرفه‌ای نظام آموزشی موردنظر پژوهش حاضر ارائه شده است که به ترتیب در ادامه بیان شده است. ۱. ارزشیابی: سنجشی که بر اساس آن نمره‌ی دانشجویان در انتهای ترم بیان می‌شود. ارزشیابی روش‌های مختلفی دارد از جمله روش‌های آن می‌توان ارزشیابی مستمر طول‌ترم، ارزشیابی تراکمی، ارزشیابی خود

¹ Assessment

² Educational Resources

³ Teaching Technique

⁴ Teaching Method

⁵ Leadership

⁶ Strategy

⁷ Approach

⁸ Pattern

⁹ Interaction

سنج، ارزشیابی معلم سنج و ارزشیابی گروه سنج را نام برد. ۲. منابع آموزشی: منابعی که استاد به منظور تدریس درس مورد نظر مورداستفاده قرار می‌دهد و در انتها ارزشیابی بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد. ۳. فن تدریس: فنی که استاد به منظور تدریس خود بر می‌گزیند را فن تدریس گویند. فن تدریس می‌تواند برای مثال شامل بارش مغزی، فن سخنوری و فناوری باشد. ۴. روش تدریس: روشی که استاد به منظور تدریس خود مورداستفاده قرار می‌دهد را روش تدریس گویند. روش تدریس می‌تواند شامل روش تدریس مشارکتی، روش تدریس گروهی، روش تدریس تسلط آموزش و روش تدریس تیمی باشد. ۵. راهبری: روشی که استاد به منظور مدیریت آموزشی خود استفاده می‌کند. این روش‌ها می‌تواند برای مثال شامل راهبری اقتضایی، راهبری مداخله‌جویانه و راهبری غیر مداخله‌جویانه باشد. ۶. راهبرد: راهبرد، زیرمجموعه‌ای از راهبری است که می‌تواند به صورت راهبرد مستقیم، غیرمستقیم و تعاملی باشد. ۷. رویکرد: رویکردی که استاد در تدریس خود بر می‌گزیند می‌تواند برای مثال به صورت رهایی‌بخش یا مشاوره‌ای باشد. ۸. الگو: الگوهای مختلفی در زمینه‌ی آموزش وجود دارد که برای مثال می‌توان الگوی شناختی، الگوی انسان‌گرایانه و الگوی نقادانه را نام برد. ۹. تعامل: همان‌طور که از نامش مشخص است تعامل میان استاد و دانشجو را نشان می‌دهد. این تعامل برای مثال می‌تواند به صورت انگیزاننده، پویا، بر مبنای احترام متقابل یا کسل‌کننده و سوءاستفاده‌ی جنسی باشد (تقی زاده، ۱۳۹۹). همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، مؤلفه‌ی ارزشیابی از نظر اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. تفاوت محسوسی در زمینه‌ی اولویت نظر اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان مشاهده نمی‌شود اما اعضای هیئت‌علمی در کل امتیازات خیلی بالاتری به تمامی مؤلفه‌های مطرح در اخلاق حرفه‌ای نظام آموزشی داده‌اند؛ بنابراین، تفاوت میان امتیازات اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان کاملاً مشهود است. برآیند نظرات اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان نیز به ترتیب اولویت یا همان بیشترین امتیاز شامل ارزشیابی، منابع آموزشی، فن تدریس، روش تدریس، راهبری، راهبرد، رویکرد، الگو و کمترین امتیاز مربوط به تعامل استاد و دانشجو است که از نظر اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. باید دانست که بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، تعامل سازنده و پویا میان استاد و دانشجو بیشترین نقش را در افزایش یادگیری و در نتیجه، تحقق اهداف آموزش دارد. در این زمینه، نگاه والدینی می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. مؤلفه‌ی تعامل در اخلاق حرفه‌ای نظام آموزشی دارای اهمیت زیادی است که متأسفانه

توجه مناسب در این زمینه وجود ندارد و باید بررسی شود که علت این امر چیست. آیا نبود آموزش‌های مناسب سبب این امر است؟ آیا نبود یا کمبود الگوهای مناسب سبب این امر است؟ آیا شخصیت فرد سبب این امر است؟ آیا فرهنگ‌سازی نکردن سبب این امر است؟ آیا وجود نداشتن آیین‌نامه‌ی مناسب‌سازی شده در زمینه‌ی تعامل میان استاد و دانشجو سبب این امر است؟ نمونه‌ای از مصاحبه‌های صورت گرفته در ادامه بیان شده است که به دلیل محدودیت، تنها یک نمونه از مصاحبه‌های صورت گرفته با اعضای هیئت‌علمی و یک نمونه از مصاحبه‌های صورت گرفته با دانشجویان دکتری بیان شده است. مصاحبه‌شونده ۱: بیشتر اساتید ما تعامل مناسبی با دانشجو ندارند. آن‌ها ما را موجوداتی مزاحم یا کارخانه‌ی تولید مقاله و یا کیسه‌ای پول می‌دانند. البته اساتید خوبی هم داریم که نباید آن‌ها را نادیده گرفت. هرچند که تعداد چنین اساتیدی بسیار کم است. مصاحبه‌شونده ۱۱: من به‌عنوان استاد بیشتر به فضای کلاسی که به آن وارد می‌شوم توجه دارم و سعی می‌کنم آموزش و تدریس خود را بر اساس آن تنظیم کنم اما در کل به نظر من با توجه به شرایطی که وجود دارد، هر استادی می‌تواند اخلاق حرفه‌ای را در تمامی مراحل آموزشی خود لحاظ کند، البته اگر بخواهد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه از دید اعضای هیئت‌علمی در سطح خوبی قرار دارد، گرچه نیاز به بهسازی‌های لازم احساس می‌شود اما از منظر دانشجویان دکتری، اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه در سطح خوبی قرار ندارد و حتی می‌توان گفت که با سطح مطلوب فاصله زیادی مشاهده می‌شود که نیاز به توجه ویژه مسئولان در این زمینه دارد. یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه بعد از انجام بررسی‌های لازم به تفکیک بر اساس مؤلفه‌های مطرح در نظام پژوهشی و از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲) اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه (امتیاز از ۲۰)

مؤلفه‌ها	اعضای هیئت علمی	دانشجویان دکتری	برآیند
کمیت ^۱	۱۹	۱۹	۱۹
کیفیت ^۲	۱۷	۱۱	۱۴
میزان کمک به دانشجو در پژوهش	۱۵	۱۱	۱۳
میزان رعایت اخلاق پژوهش	۱۶	۹	۱۲/۵

همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، مؤلفه‌ی کمیت از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. تفاوت محسوسی در زمینه‌ی اولویت نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان مشاهده نمی‌شود اما اعضای هیئت علمی در کل امتیازات بالاتری به تمامی مؤلفه‌های مطرح در اخلاق حرفه‌ای نظام پژوهشی داده‌اند. تفاوت میان امتیازات اعضای هیئت علمی و دانشجویان تا حدودی مشهود است. برآیند نظرات اعضای هیئت علمی و دانشجویان نیز به ترتیب اولویت یا همان بیشترین امتیاز شامل کمیت، کیفیت، میزان کمک به دانشجو در پژوهش و کمترین امتیاز مربوط به میزان رعایت اخلاق پژوهش است که از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. رعایت اخلاق پژوهش بعد مهمی از مؤلفه‌ی اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی است که حتی می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه‌ی آن محسوب می‌شود اما باید دید که چه دلایلی باعث شده‌اند که اخلاق پژوهش به‌خوبی رعایت نشود. آیا آگاهی نداشتن دلیل آن است؟ آیا وجود نداشتن آیین‌نامه‌ها و قوانین مناسب دلیل آن است؟ آیا حمایت‌های ناکافی دلیل آن است؟ آیا فرهنگ نامناسب دانشگاهی دلیل آن است؟ نمونه‌ای از مصاحبه‌های صورت گرفته در ادامه بیان شده است که به دلیل محدودیت، تنها یک نمونه از مصاحبه‌های صورت گرفته با اعضای هیئت علمی و یک نمونه از مصاحبه‌های صورت گرفته با دانشجویان دکتری بیان شده است. مصاحبه‌شونده ۴: بعضی از اساتید بدون اینکه کمترین زحمتی را در تهیه‌ی مقاله بکشند، برای

¹ Quantity

² Quality

دادن نمره پایان‌ترم ما را مجبور می‌کنند که در مقاله‌ی خود نام آن‌ها را وارد کنیم. این کار از نظر من غیراخلاقی است. اگر استاد حتی یک‌بار مقاله را داوری کند، می‌تواند این امر بسیار ارزشمند باشد که بیشتر اساتید ما حتی برای این کار هم وقت نمی‌گذارند. آن‌ها تنها می‌خواهند تعداد مقالات خود را زیاد کنند. مصاحبه‌شونده ۱۶: چیزی که من می‌بینم این است که تعداد مقالات تولیدشده همکارانم بسیار زیاد است اما از نظر کیفیت به نظر من جای بررسی بیشتر دارد. شاید شرایط کنونی توجه به کیفیت پژوهش‌ها را کمرنگ کرده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه از دید اعضای هیئت‌علمی در سطح خوبی قرار دارد، گرچه نیاز به آموزش‌ها و حمایت‌هایی در این زمینه وجود دارد اما از منظر دانشجویان دکتری، اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه در سطح خوبی قرار ندارد و مشکلات بسیاری در این زمینه وجود دارد. دانشجویان نیاز به حمایت در تولید مقاله‌های علمی و پژوهشی و رعایت اخلاق پژوهش را بسیار ضروری می‌دانند که در حال حاضر نیاز به حمایت‌های اساسی در این زمینه وجود دارد.

نتیجه‌گیری

اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها چنان اهمیتی دارد که امروزه به رکن اساسی در تمامی دانشگاه‌های مطرح جهان تبدیل شده است. اخلاق حرفه‌ای از جهات مختلفی در دانشگاه‌ها می‌تواند مطرح شود که هدف پژوهش حاضر بررسی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه است. در بعد آموزشی مؤلفه‌هایی مانند فن تدریس، روش تدریس، تعامل، راهبری، راهبرد، رویکرد، الگو، منابع آموزشی و ارزشیابی و در بعد پژوهشی مؤلفه‌هایی مانند کیفیت، کمیت، میزان کمک به دانشجو در پژوهش و میزان رعایت اخلاق پژوهش موردبررسی قرار گرفتند. در این پژوهش کیفی که با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته صورت گرفته، دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه موردبررسی قرار گرفته است. با توجه به هدف پژوهش حاضر دو سؤال مطرح گردید. ۱. اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه چگونه است (از دید اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری)؟ در یک جمع‌بندی کلی در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان کرد که اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه از دید اعضای

هیئت علمی در سطح خوبی قرار دارد، گرچه نیاز به بهسازی‌های لازم احساس می‌شود؛ اما از منظر دانشجویان دکتری، اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه در سطح خوبی قرار ندارد و حتی می‌توان گفت که با سطح مطلوب فاصله‌ی زیادی مشاهده می‌شود که نیاز به توجه ویژه مسئولان در این زمینه دارد. ۲. اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه چگونه است (از دید اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری)؟ در یک جمع‌بندی کلی در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان کرد که اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه از دید اعضای هیئت علمی در سطح خوبی قرار دارد، گرچه نیاز به آموزش‌ها و حمایت‌هایی در این زمینه وجود دارد؛ اما از منظر دانشجویان دکتری، اخلاق حرفه‌ای در نظام پژوهشی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه در سطح خوبی قرار ندارد و مشکلات بسیاری وجود دارد. دانشجویان نیاز به حمایت در تولید مقاله‌های علمی و پژوهشی و رعایت اخلاق پژوهش را بسیار ضروری می‌دانند که در حال حاضر نیاز به پشتیبانی‌های اساسی در این زمینه وجود دارد. با جمع‌بندی یافته‌های دو سؤال پژوهش حاضر می‌توان گفت که اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه علامه از جایگاه مناسب و شایسته‌ی خود فاصله دارد. گرچه باید بیان کرد که در زمینه‌ی اخلاق پژوهش، وضع مناسب‌تری مشاهده می‌شود. شاید علت این امر توجه شایسته‌تر به اخلاق پژوهش در معاونت پژوهشی وزارت عتف باشد (از سال ۱۳۹۰). در حالی که اخلاق آموزش اکنون جایگاه مناسبی در وزارت عتف ندارد و هنوز قدم‌های اولیه در این زمینه در حال برداشته شدن است؛ بنابراین باید با پشتیبانی‌های لازم در زمینه‌ی ارتقای اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها از طریق دادن آموزش‌های لازم، فرهنگ‌سازی، توجه به آیین‌نامه‌ها و حمایت‌های لازم، زمینه این موضوع را فراهم کرد. انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند با توجه به ماهیت میدانی و کاربردی آن، اطلاعات بسیار مفیدی به منظور اصلاح و بهبود مسیر اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها در اختیار مسئولان قرار دهد؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند گامی مهم در جهت توجه شایسته‌تر به اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها باشد. این دو بعد از اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها با توجه به نقش دانشگاه‌ها دارای اهمیت و نقش پررنگ‌تری به منظور رسیدن به اهداف والای نظام آموزش عالی دارند

منابع

۱. الوانی، سید مهدی (۱۳۷۹). دولت‌مدیریتی و مدیریت دولتی. مدیریت دولتی، ۴۷ (۱)، ۱۷-۱.
۲. الوانی، سید مهدی و رحمتی، محمدحسین (۱۳۸۶). فرایند تدوین منشور اخلاقی برای سازمان. مدیریت فرهنگ‌سازمانی، ۵ (۱)، ۷۰-۴۳.
۳. تقی زاده، سعیده (۱۳۹۹). طراحی الگوی تدریس اثربخش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم انسانی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. حسین‌پورنیازی، سمیه و میرمیران، پروین (۱۳۹۹). اخلاق در مطالعات بر مبنای جامعه. اخلاق پزشکی، ۱۴ (۴۵)، ۱۲-۱.
۵. رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. علوم پزشکی / ارتش، ۱۰ (۳)، ۲۵۰-۲۳۸.
۶. زرافشانی، محمدکیان؛ شرفی، لیدا و اطهری، زهرا (۱۳۹۷). بررسی عوامل انگیزشی در برقراری ارتباط بین دانشجویان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (سال ۹۶-۱۳۹۵). راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۱ (۶): ۱۱-۱.
۷. فرامرزی قراملکی. احد. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه‌ای. قم: مجنون.
۸. قائدی، مریم؛ مدهوشی، مهرداد؛ رازقی، نادر و صفایی قادیلالی، عبدالحمید (۱۳۹۷). علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی و پیامدهای ناشی از آن. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۴ (۱)، ۱۳۵-۱۱۳.
۹. کلهر، منوچهر. (۱۳۸۳). مقدمات رفتار اداری (تکریم ارباب رجوع). تهران: حدیث امروز.
۱۰. مصباحی، مریم و عباس زاده، عباس (۱۳۹۲). الگوی سیستمی اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی (تحقیق کیفی). اخلاق زیستی، ۳ (۱۰)، ۳۳-۱۱.

11. Adams, J.S., Tashchian, A. & Shore, T.H. (2001). Codes of Ethics as Signals for Ethical Behavior. *Journal of Business Ethics*, 29 (3): 199–211.
12. Barnhoorn, P. C., Bolk, J. H., Ottenhoff-de Jonge, M. W., van Mook, W. N., & de Beaufort, A. J. (2017). Causes and characteristics of medical student referrals to a professional behaviour board. *International journal of medical education*, 8, 19.
13. British Psychological Society. (2009). Code of Ethics and Conduct Guidance. *Ethics Committee of the British Psychological Society*.

14. Burnell, Beverly A. and Schnackenberg, Heidi L. (2015). *The Ethics of Cultural Competence in Higher Education*. USA: Apple Academic Press.
15. Schwartz, M. S. (2002). A code of ethics for corporate code of ethics. *Journal of Business Ethics*, 41(1-2), 27-43.
16. Vest, Charls M. (2020). *Educating the Engineer of 2020: Adapting Engineering Education to the New Century*. USA, Washington, D.C.: National Academies Press.